

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥٢٣

سوره ای ۵
بخشیه

اعلامی



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان های باستانی

بررسی متون اوستایی خورشید یشت و امشاسپندان یشت

متن اوستایی، آوانویسی، ترجمه، واژه نامه و توضیحات

توسط:

سمیه قائدی

استاد راهنما:

دکتر گلنار قلعه خانی



۱۳۸۶ / ۱۱ / ۱

تیرماه ۱۳۸۶

۱۰۵۰۳۴

به نام خدا

بررسی متون اوستایی خورشید یشت و امشاسپندان یشت

متن اوستایی، آوانویسی، ترجمه، واژه‌نامه و توضیحات

به وسیله‌ی:

سمیه قانّدی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از

فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

فرهنگ و زبانهای باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: **عالی**

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

..... دکتر گلنار قلعه‌خانی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

..... دکتر کتایون نمیرانیان، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

..... دکتر فرخ حاجیانی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

تیرماه ۱۳۸۶

تقریب به

پدر و مادر بزرگوارم

و همسر مهربانم

که سختی‌ها را به جان خریدند تا تحصیل علم بر من هموار

گردد و با حوصله فراوان مشوق من در طی این مسیر بودند

سپاسگزاری

همت بلند و اندیشه تابناک و سخاوت دانش استاد ارجمند سرکار خانم دکتر گلنار قلعه‌خانی و راهنمایی‌های استاد گرامی جناب آقای دکتر فرخ حاجیانی و سرکار خانم دکتر کتایون نمیرانیان پرتو درخشانی بود فراسوی راهی که طی نمودم تا این پایان نامه را به سرمنزل مطلوب برسانم.

کمی و کاستی آن رو به خوشه چینی از خرمن علمشان دارد که ظرف کوچک من بزرگی دانششان را تاب نمی‌آورد. تشکر و سپاس واژگانی نیستند که رضایت خاطر قدردانیم را فراهم کنند. پس اجر و مزد اینکار را به حضرت دوست وا می‌گذارم و سعادت و سلامتشان را از درگاهش مسئلت دارم.

چکیده

بررسی خورشید یشت و امشاسپندان یشت متن اوستایی، آوانویسی، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه

به‌وسیله‌ی:

سمیه قان‌دی

یشت‌ها یکی از مهمترین بخش‌های اوستا کتاب مقدس آیین زردشت هستند و عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی اختصاص دارند. بیست و یک یشت در دست است و همه آنها از نظر قدمت یکسان نیستند. متن حاضر به بررسی یشت دوم «امشاسپندان» و یشت ششم «خورشید یشت» می‌پردازد که در ستایش امشاسپندان و خورشید هستند. نگارنده در این بررسی به آوانویسی، ترجمه فارسی، توضیح برخی واژه‌ها و اسامی خاص و آرایه واژه‌نامه بسامدی پرداخته است. آوانویسی این متن به شیوه بار تلمه می‌باشد. هدف این رساله ترجمه‌ی علمی و بررسی دقیق واژگان بوده است تا دانش‌پژوهان در ترجمه و بررسی دیگر متون اوستایی از آن بهره گیرند. بررسی ریشه‌شناسانه واژه‌ها در شناخت هر چه بیشتر زبان فارسی به علاقمندان کمک می‌کند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱- کلیات
۲	۲-۱- هدف تحقیق
۳	۳-۱- اهمیت تحقیق
۳	۴-۱- مروری بر تحقیقات انجام شده
۵	۵-۱- روش تحقیق
	فصل دوم: ادبیات اوستایی
۷	۱-۲- مقدمه
۷	۲-۲- ادوار تاریخی زبان‌های ایرانی
۹	۳-۲- سنت شفاهی
۱۰	۴-۲- ادبیات اوستایی
۱۲	۵-۲- اوستای گاهانی
۱۴	۶-۲- اوستای متأخر
۲۳	۷-۲- سرگذشت کتاب اوستا و نقل آن به خط اوستا
۳۰	۸-۲- خورشید
۳۱	۹-۲- خورشید یشت
۳۲	۱۰-۲- امشاسپندان
۳۸	۱۱-۲- امشاسپندان یشت
	فصل سوم: متن اوستایی
۴۱	۱-۳- خورشید یشت
۴۴	۲-۳- امشاسپندان یشت
	فصل چهارم: آوانویسی و ترجمه
۴۹	۱-۴- خورشید یشت
۵۳	۲-۴- امشاسپندان یشت
	فصل پنجم: یادداشت‌ها
۶۰	۱-۵- خورشید یشت
۶۳	۲-۵- امشاسپندان یشت
۷۰	پی‌نوشت

صفحه

عنوان

 فصل ششم: واژه‌نامه بسامدی
۷۵ ۱-۶- خورشید یشت
۱۰۰ ۲-۶- امشاسپندان یشت
 فصل هفتم: نتایج بحث و پیشنهادات
۱۵۰ ۱-۷- نتایج و پیشنهادات
۱۵۱ ۲-۷- منابع

فصل اول

مقدمه

۱- مقدمه

۱-۱- کلیات

زبان اوستایی و متن‌های بازمانده از آن از نظر مطالب مورد بحث و واژگان، گنجینه‌ای گسترده و پهنه‌ای ناشناخته است و به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل نیاز دارد. با چنین رویکردی دو یشت اوستایی (خورشید یشت و امشاسپندان یشت) انتخاب و بررسی‌های دقیق بر آنها صورت گرفت. در فصلی مستقل به بررسی ادبیات مزدیسنايي و معرفی این دو یشت نیز پرداخته شده است. پس از آن آوانویسی، ترجمه، توضیح واژه‌های خاص و در آخر واژه‌نامه بسامدی ارایه شده است.

سعی بر این بوده است که بدون هیچ‌گونه ابهام و زیاده‌گویی تصویری مناسب از واژگان زبان اوستایی که به فارسی نو رسیده‌اند ارایه شود.

۱-۲- هدف تحقیق

گنجینه غنی زبان فارسی در هر پژوهشگری روح کنکاش و جستجو در این زبان پر رمز و راز را بر می‌انگیزد. هدف از این پژوهش گامی است در جهت فراگیری بهتر و بیشتر کتاب اوستا، این کتاب کهن که یادگار فرهنگ غنی ایران باستان می‌باشد و منبع مهمی برای مطالعه و آگاهی از زندگی فرهنگی و تاریخی مردم این مرز و بوم در دوران گذشته است. انتخاب این

دو متن از آن روی است که در کارهای پیشین تنها ترجمه و گاه آوانویسی صورت گرفته که البته بدون اشتباه هم نیست و بعضی ترجمه‌ها در همه جا دقیق نیست و گاهی نیز تحت‌اللفظی شده و درک آن برای خواننده ناممکن است.

۱-۳- اهمیت تحقیق

با توجه به غنای ادبیات فارسی و متون کهن بازمانده از این زبان، بحث و بررسی، تجزیه و تحلیل هر یک از این متون می‌تواند گامی در جهت ایفای وظیفه هر دانشجو نسبت به این زبان و ادبیات ارزشمندش باشد. در راستای نیل به این هدف با انتخاب دو یشت اوستایی به نام‌های «خورشید یشت» و «امشاسپندان یشت» تلاش شده است گامی در جهت فراگیری بهتر و بیشتر کتاب اوستا که یادگار فرهنگ غنی ایران باستان می‌باشد برداشته شود و در فراگیری زبان اوستا برای پژوهشگران و علاقمندان و دانشجویان رشته زبان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی سودمند واقع شود.

۱-۴- مروری بر تحقیقات انجام شده

کتابخانه بودلین (Bodleian) در آکسفورد، اولین کتابخانه‌ای بود که در سال ۱۷۲۳ میلادی اولین نسخه‌ی دستنویس اوستا را بدست آورد. آنکتیل دوپرون (Anquetil du Perron) (۱۷۳۱-۱۸۰۵) با سفری به هندوستان و آموختن زبان اوستایی از موبدان، در سال ۱۷۷۱ میلادی اولین ترجمه اوستا را در کتابی بنام «زند- اوستا» منتشر کرد. ترجمه بعدی، ترجمه‌ای است سه جلدی که در سال‌های (۱۸۸۶-۱۸۹۰) میلادی در آلمان بوسیله گلدنر (Geldner) انجام شده و ترجمه یشت‌های پورداوود مطابق با آن است.

سومین کسی که اوستا را ترجمه کرد، دارمستتر (Daramesteter) فرانسوی بود که حاصل کار خود را در سه جلد کتاب بزرگ با نام «زند-اوستا» منتشر نمود. (۱۹۶۹).

کریستین بارتلمه، دانشمند آلمانی، بلاشک یکی از بزرگترین پژوهشگرانی است که خدمات شایان توجهی در زمینه مطالعات اوستایی عرضه داشته است. وی علاوه بر تحقیقات و تألیفات متعدد، کتاب ارزشمند فرهنگ لغت ایران باستان (Altiranisches wörterbuch) را در سال ۱۹۰۴ منتشر کرد. او همه اوستا را بطور پراکنده در این واژه‌نامه بسیار ارزشمند ترجمه نموده است.

ولف (Wolff) آلمانی نیز ترجمه‌ای دیگر از اوستا به زبان آلمانی ارائه نموده که کلیه لغات را با استفاده از فرهنگ بارتلمه استخراج کرده است و ترجمه ولف از لحاظ دقت، همچون حفظ حالت‌های دستوری، ارکان جمله و انطباق با متن اصلی اثری بس ارزشمند است.

از دیگر پژوهشگران اوستایی می‌توان دانشمندانی همچون یونکر، هوگ و هومباخ از آلمان دومیژیل و ژینیو از فرانسه، کوریلویچ از لهستان، انکلساریا، تاوادایا، کانگا، دابار و مدی از هندوستان، اسمیت و اینسلر از آمریکا و نیز بیلی و گرشویچ از انگلستان را نام برد. تحقیقات در مورد زبان‌های باستانی در ایران قدمت چندانی ندارد. استاد پورداوود، اولین ایرانی بود که کار پژوهش درباره‌ی اوستا را آغاز نموده و بجز وندیداد، ترجمه همه‌ی بخش‌های اوستا و علاوه بر آن مقالات و تألیفات فراوان و ارزشمندی را ارائه نمود. جلیل دوستخواه نیز در کتاب «اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان» (۱۳۴۳)، در دو جلد همه‌ی اوستا را به فارسی برگردانده است. هاشم رضی نیز زحمات فراوان و قابل تقدیری در امر زبان‌های باستانی داشته است. البته هیچ‌یک از محققان ایرانی به بررسی صرفی و نحوی واژگان اوستایی به طور کامل نپرداخته‌اند و صرفاً متون را به فارسی برگردانده‌اند و تنها کتاب «یادداشت‌های گاته‌ها (گاتها)» (۱۳۳۶، تهران) تألیف استاد پورداوود است که در آن واژه‌ها از لحاظ اشتقاقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و

پرواضح است که میدانی گسترده برای پژوهش‌های علمی‌تر و دقیق‌تر وجود دارد و این پژوهش نیز گامی در این مسیر ارزشمند است.

۱-۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. که شش بخش کلی و یک مقدمه دارد. در مقدمه، نمایی کلی از این تحقیق، معرفی بخش‌های مورد پژوهش و توضیحی درباره‌ی پژوهش‌های انجام شده و معرفی شده توسط پژوهشگران و محققان دیگر آمده است. در فصل دوم، توضیح مختصر ولی جامعی درباره‌ی ادبیات مزدیسنا، خط و زبان اوستا، زمان پیدایش آن، محل پیدایش و تقسیمات اوستا به بخش‌های کوچکتر و همچنین توضیحاتی نیز درباره‌ی بخش‌های اوستا، خصوصاً یشت‌ها صورت گرفته است. پنج بخش دیگر شامل، زیراکس متن اوستایی خورشید یشت و امشاسپندان یشت از نسخه گلدنر و سپس آوانویسی به روش بارتلمه است. سپس با استفاده از کتاب Avesta Reader نوشته رایخلت و نیز فرهنگ واژگان ایرانی باستان اثر بارتلمه، معنا و حالت دستوری واژگان را پیدا کرده و از Avesta Grammer اثر جکسون برای مشخص نمودن حالت صرفی و نحوی واژگان کمک گرفته شده و ترجمه روان و دقیقی ارائه شده و در فصل بعد در مورد واژگان خاص این فصل توضیح داده شده است. در فصل ششم واژه‌نامه بسامدی مطابق با حروف الفبای اوستایی تهیه و ضمیمه کار شده است در فصل هفتم نتایج و پیشنهادها و فهرست منابع ارائه شده است.

فصل دوم
ادبیات اوستایی

۲- ادبیات اوستایی

۲-۱- مقدمه

زبان‌هایی که در ایران از قدیم‌ترین روزگاران تاکنون متداول بوده است، از نظر ویژگی‌های زبانی، وجوه مشترکی دارند، هر چند که این زبان‌ها در سرزمین‌های گوناگونی در ایران کنونی، یا خارج از مرزهای فعلی آن، معمول بوده‌اند یا هستند. این مجموعه زبان‌ها را اصطلاحاً گروه زبان‌های ایرانی می‌نامند که خود منشعب از زبانی فرضی به نام هند و ایرانی است که اصل زبان‌های اقوام هندی و ایرانی، پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران، بوده است. شاخه‌ی هند و ایرانی نیز خود یکی از شاخه‌های زبان فرضی دیگری به نام هند و اروپایی است که مادر اغلب زبان‌های اقوامی است که در سرزمین‌های واقع در شبه‌قاره‌ی هند تا شمال اروپا به سر می‌برند یا به سر می‌برده‌اند.

۲-۲- ادوار تاریخی زبان‌های ایرانی

از نظر تاریخی، زبان‌های ایرانی را به سه دسته‌ی عمده تقسیم می‌کنند: زبان‌های دوره‌ی باستان، زبان‌های دوره‌ی میانه و زبان‌های دوره‌ی نو.

از دوره‌ی باستان آثار مکتوب دو زبان بر جای مانده است: یکی زبان اوستایی که در سرزمینی از نواحی شرق ایران بدان سخن می‌گفته‌اند و قدیم‌ترین آثار آن احتمالاً متعلق به زمانی میان قرن هشتم تا دهم قبل از میلاد است و دیگری زبان فارسی باستان که زبان ناحیه‌ی فارس بوده و کتیبه‌های شاهان هخامنشی بدان نوشته شده و قدیم‌ترین آنها از قرن پنجم ق.م. و متأخرترین آنها از قرن سوم ق.م. است. از زبان‌های دیگر این دوران، یعنی مادی و سکایی، تنها اطلاعات اندکی در دست است.

زبان‌های دوره‌ی میانه در فاصله‌ای میان حدود ۳۰۰ ق.م. تا حدود ۷۰۰ م. است. اگرچه برای سهولت تقسیم‌بندی آغاز اسلام را پایان دوره‌ی میانه و آغاز دوره‌ی نو می‌دانند، اما لازم به تذکر است که تا چند قرن پس از ظهور اسلام به بعضی از زبان‌های این دوره آثاری تألیف می‌شده است و بعضی از آنها تا آن زمان زبان‌های رایجی بوده‌اند. زبان‌های این دوره را به دو گروه زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی و ایرانی میانه‌ی شرقی تقسیم می‌کنند. از گروه زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی از دو زبان آثار عمده‌ای در دست است: زبان پارتی (یا پهلوانیگ یا پهلوی اشکانی) و فارسی میانه یا پهلوی.

زبان پارتی زبان رایج دوره‌ی اشکانیان (از حدود ۲۵۰ ق.م. تا حدود ۲۲۴ م.) بوده که تا اوایل دوره‌ی ساسانی نیز بدان آثاری تألیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران متداول بوده است.

زبان فارسی میانه یا پهلوی زبان جنوب و جنوب غربی ایران بوده و زبان رسمی دوران ساسانی به شمار می‌رفته است. از آنجا که این زبان اساساً به ایالت فارس تعلق داشته است و نیز به علت این که از نظر ساختمان زبانی در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (=دری) قرار دارد، محققان جدید آن را «فارسی میانه» نامیده‌اند. اصطلاح پهلوی (یا فهلوی در متون

عربی) را که در اصل به معنی «پارتی» است، نویسندگان دوران اسلامی برای تمایز این زبان از فارسی نو (=دری) به کار برده‌اند.

امروزه دانشمندان اصطلاح «پهلوی» را غالباً برای آثار فارسی میانه‌ی زردشتی به خط پهلوی و «فارسی میانه» را برای آثار مانوی به این زبان و به خط خاص مانویان به کار می‌برند. دوره‌ی نو زبان‌های ایرانی شامل زبان فارسی و لهجه‌ها و زبان‌های ایرانی فراوانی است که در ایران و خارج از ایران رایج بوده و از میان رفته‌اند یا آنهایی که هم‌اکنون بدان‌ها سخن می‌گویند.

۲-۳- سنت شفاهی

نکته‌ای که در اینجا ذکرش لازم است این است که در ایران پیش از اسلام سنت به کتابت درآوردن آثار دینی و ادبی چندان معمول نبوده است، به طوری که این آثار قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده است و ثبت آنها را لازم نمی‌دانسته‌اند. تنها اسناد دولتی و سیاسی و اقتصادی (مانند مطالب کتبی‌های فارسی باستان و پهلوی و چرم نوشته‌ها و سفال‌نوشته‌ها) را در خور نگارش می‌دیدند. کتاب اوستا قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شد تا اینکه سرانجام در دوره‌ی ساسانی به کتابت درآمد و پس از آن هم، موبدان برای اجرای مراسم دینی به ندرت بدان رجوع می‌کرده‌اند و می‌کنند و آنچه مهم است از حفظ خواندن آن است. در کتاب‌های پهلوی غالباً به روایات افسانه‌آمیزی در مورد کتاب اوستا بر می‌خوریم. برطبق این روایات، اسکندر کتاب اوستا را، که بر روی پوست نوشته شده بود، سوزانیده و پس از او دوباره آن را گردآوری کرده‌اند. نظیر همین‌گونه روایات به کتاب‌های نویسندگان دوره اسلامی نیز راه یافته است. اما در میان همین گفته‌ها به اهمیت سنت‌های شفاهی برمی‌خوریم. در کتاب‌های پهلوی غالباً از موبدانی یاد شده است که همه‌ی اوستا و ترجمه و تفسیر آن را از حفظ می‌دانستند.

توجه به سنت شفاهی تا آنجاست که در دینکرد آمده است: بُخت ماری مسیحی می‌پرسد که: «چرا ایزد این دین را به زبان ناآشنای نهفته‌ای به نام اوستا گفت و برای آن متن نوشته‌ی کاملی نیندیشید، بلکه فرمود که آن را به صورت شفاهی (= به گفتار) حفظ کنند؟» و در جواب آمده است که: «به دلایل بسیار، منطقی است که سخن شفاهی زنده را از صورت مکتوب مهم‌تر بدانیم.» همین توجه به روایات سینه به سینه تا دوران‌های بعد از اسلام نیز ادامه یافت چنان که مدوّنان اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی ایران مانند فردوسی، علاوه بر روایات مکتوب *خدای‌نامه*، از روایات شفاهی نیز بهره می‌جستند. اکنون نیز بیشتر ادبیات عامه نواحی گوناگون از شعر و ترانه و چیستان و قصه سینه به سینه حفظ می‌شود و کمتر اتفاق می‌افتد که کسی آنها را از روی نوشته یاد گرفته باشد.

یکی از علل عمده‌ای که سبب شد زردشتیان در دوره ساسانی به کتابت آثار خود توجه کنند، ایراداتی بود که ملل صاحب کتاب خصوصاً مسیحیان بر آنان می‌گرفتند. در قرون اولیه‌ی اسلامی، که بیشتر آثار پهلوی در آن زمان تألیف نهایی یافته است، بیم از میان رفتن این آثار در برابر پیشرفت سریع اسلام و تقلیل موبدان از علل عمده‌ی دیگر تألیف آنها محسوب می‌گردد.

برخلاف زردشتیان، مانی و پیروان او که با ادیان و فرهنگ سامی آشنایی داشتند، به کتابت آثار خود اهمیت می‌دادند.

۲-۴- ادبیات اوستایی

کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد و بدین جهت زبانی را که این کتاب بدان نوشته شده است اوستایی نامیده‌اند. جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری به این زبان در دست نیست و در خود کتاب اوستا اشاره‌ای به نام اصلی این زبان نشده و حتی کلمه‌ی اوستا

نیز در متون اوستایی نیامده است. تنها از دوره‌ی ساسانی و در کتاب‌های پهلوی است که به کلمه‌ی اَبِستَاگ (Abestāg) (در عربی ابستا و ابستاق و در فارسی ابستا، اوستا، وستا و غیره) بر می‌خوریم. در این کتاب‌ها گاه زبان اوستا را «زبان دینی» نیز نامیده‌اند. معنی دقیق کلمه‌ی اوستا نیز روشن نیست، تنها احتمال داده شده که به معنی «ستایش» باشد. از بررسی‌های زبان‌شناسی و مقایسه‌ی زبان اوستایی با فارسی باستان از سویی، و مقایسه‌ی این زبان با زبان‌های شرقی دوره‌ی میانه از سوی دیگر، مسلم می‌گردد که اوستایی زبانی متعلق به مشرق ایران بوده است و امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که این زبان به نواحی آسیای میانه، احتمالاً به ناحیه‌ی خوارزم، تعلق داشته و منظور از ایرانویج مذکور در اوستا همین ناحیه بوده است. گرچه بعضی دانشمندان دیگر، نواحی دیگری مانند سیستان، شمال خراسان (مرو-بلخ) را نیز پیشنهاد کرده‌اند. بنا به روایت اوستا و کتاب‌های پهلوی، همه‌ی مطالب این کتاب را اورمزد (اهوره مزدا) به زردشت الهام و ابلاغ کرده است. درباره‌ی زمان زردشت و در مورد زمان قدیم‌ترین بخش‌های اوستا به یقین نمی‌توان اظهارنظر کرد. به احتمال زیاد، وی در حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد می‌زیسته است. این زمان سلسله‌ای به اسم کوی (یا کی و جمع آن کیان به زبان پهلوی) از اهالی سیستان بر ایرانویج فرمانروایی می‌کردند که آخرین پادشاه آن وشتاسپَه (vištāspa) (= گشتاسب) نام داشته است. زردشت در زمان وی ظهور کرد و دین خود را بر او عرضه داشت.

همه‌ی اوستا از نظر زبان یک‌دست نیست. بعضی قسمت‌ها دارای سبکی کهنه‌تر و از نظر دستوری دارای زبانی است که با قواعد دستوری صحیح اوستا بیشتر مطابقت دارد. در برابر، در برخی بخش‌ها قواعد دستوری چندان مراعات نشده است. علت تفاوت زبانی میان متون اوستایی را می‌توان به دو عامل نسبت داد، یکی این که قدمت بعضی از آثار بیشتر از دسته‌ی دیگر است و دیگر این که شاید اختلاف لهجه میان این دو دسته آثار وجود داشته است.

اوستایی که اکنون در دست است، تنها یک چهارم کتابی است که در دوره‌ی ساسانیان وجود داشته است. چنین نظری مبتنی بر مقایسه‌ای است میان خلاصه‌ای از اوستای ساسانی به پهلوی که در کتاب هشتم دینکرد آمده با آنچه اکنون موجود است. اوستای موجود شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی و عبادی از آنها استفاده می‌شود و آن را به پنج بخش تقسیم می‌کنند: یسن‌ها، ویسپَرد، وندیداد، یشت‌ها و خُرده اوستا. از سوی دیگر، متون اوستایی را براساس ویژگی‌ها و قدمت زبان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) متون گاهانی (۲) متون اوستایی متأخر.

۲-۵- اوستای گاهانی

متون گاهانی شامل گاهان (یا چنان که در فارسی مصطلح شده «گات‌ها» یا گات‌ها)، یسن‌های هپتنگه‌ایتی (Haptañhāiti) و چهار دعای مذکور در یسن ۲۷ است.

گاهان. گاهان جمع گاه (در اوستاگاتا (Gāōā) به معنی سرود) قدیم‌ترین بخش از اوستا و کهن‌ترین اثر ادبی ایرانی است که بر جای مانده است. سراینده‌ی این سرودها خود زردشت است، چنان‌که در شش تا از گاهان سراینده به عنوان اول شخص از خود یاد می‌کند. گاهان مشتمل بر ۱۷ سرود است که در اوستای کنونی در میان یسن‌ها قرار دارد و یسن‌های ۲۸ تا ۳۴ و ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳ را تشکیل می‌دهند. این سرودها نه تنها از نظر ادبی، بلکه از جهت در برداشتن تفکرات نوین آن روزگاران اهمیت به‌سزایی دارد و نشان‌دهنده‌ی عقاید اصلی زردشت است. در گاهان خدای مطلق اهوره‌مزداست و جلوه‌های خاص او امشاسپندان‌اند و در مقابل، روح مخرب یا اهرمن قرار دارد. متأسفانه به سبب دشواری این سرودها هنوز نمی‌توانیم کاملاً اطمینان پیدا کنیم که آنچه را پیامبر ایرانی در حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد بیان کرده است، خوب دریافته‌ایم. دشواری سرودهای زردشت تنها به سبب وجود تعداد بسیاری لغت